

واکاوی نقش شورای امنیت سازمان ملل برای پیشگیری از وقوع جنگ در خاور میانه

سمیرا کهن خاکی، کارشناسی ارشد، مدیریت اجرایی، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، ایران (نویسنده
مسئول)

Samira Kohankhaki, Masters, Executive Management, Qazvin branch, Islamic Azad

University, Iran, (Author)

بهزاد غفاری بنام، کارشناسی ارشد، روابط عموم بین الملل، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، ایران

Behzad Ghafari benam, Masters, International public relations, , Karaj branch, Islamic Azad

University, Iran

واکاوی نقش شورای امنیت سازمان ملل برای پیشگیری از وقوع جنگ در خاور میانه

چکیده:

شورای امنیت با حدود اختیاراتی که توسط منشور ملل متحد برایش تعریف شده است مجری نظام امنیت مشترک می باشد و مسئول استقرار نظم و امنیت در جهان گردیده. این پژوهش با در نظر گرفتن اهمیت بسزای نقش شورای امنیت سازمان ملل در راستای عدم وقوع جنگ در خاورمیانه است از این رو برای پاسخ به این سوال، ابتدا به نقش شورای امنیت سازمان ملل برای پیشگیری از جنگ در خاورمیانه پرداخته که هدف آن تبیین ابزارهای شورای امنیت سازمان ملل متحد در پیشگیری از وقوع جنگ با تمرکز بر خاورمیانه می باشد. روش شناسی مقاله توصیفی - تحلیلی با شیوه استدلالی تحلیلی محتوا و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای به پرسش طرح شده پاسخ علمی می‌دهد. و سپس با تشریح عوامل موثر در تقویت نقش شورای امنیت و افزایش کارایی در پیشگیری از جنگ در خاور میانه و بیان اهمیت آن، به این نتایج می‌رسیم که بین نقش شورای امنیت سازمان ملل متحد به منظور پیشگیری از جنگ در خاور میانه ارتباط انکار ناپذیر و رابطه ناگسستنی وجود دارد که متأسفانه انجام نمی‌شود.

واژگان کلیدی:

شورای امنیت سازمان ملل متحد، جنگ، ایجاد صلح و امنیت، خاور میانه

مقدمه :

طبق منشور ملل متحد، سازمان ملل متحد برای حفظ نسل های آینده از بلای جنگ های خانمان سوز جهانی اول و دوم بنیان گذاری شد، از این رو این سازمان حفظ صلح و امنیت بین المللی را مهم ترین هدف خود می داند. اعضای سازمان ملل متحد طبق ماده ۲۴ منشور، این امر مهم را به شورای امنیت سازمان ملل متحد که متشکل از ۵ قدرت بزرگ است واگذار کرده اند. شورای امنیت یکی از ارکان های سازمان ملل متحد است که وظیفه پاسداری از صلح و امنیت بین المللی را بر عهده دارد و این اهمیت بدان دلیل است که شورای امنیت قادر است تصمیمات لازم برای اجرا را در چهار چوب منشور ملل متحد اخذ و تمامی دولت های عضو را متعهد به اجرای آن نماید. به موجب ماده ۳۸^۱ یک اختلاف را زمانی به شورای امنیت می توان ارجاع داد که طرفین درگیر چنین درخواستی را بنمایند. از طرفی به موجب ماده ۳۷ نیز هنگامی که دولتی اختلافی را به طور یکجانبه به شورای امنیت ارجاع می دهد، شورای امنیت عموماً ایرادات دولت یا دولت های خوانده را مبنی بر اینکه تلاش های صورت گرفته برای نیل به یک فیصله دوستانه قبل از ارجاع دعوا به شورا، به نحوی که ماده ۳۷ لازم دانسته کافی نبوده را رد می کند از طرف دیگر دولت های عضو، که طرف اختلاف نیستند، می توانند مساله ای را به شورای امنیت ارجاع دهند. این دولت ها خودشان طرف اختلاف نمی باشند و مداخله آن ها از باب منافع مربوط به صلح، سازمان ملل و خودشان می باشد.

در این میان پرسش اصلی این مقاله آن است شورای امنیت سازمان ملل چگونه می تواند از جنگ در خاور میانه پیشگیری کند؟ آنچه در این مقاله به عنوان فرضیه مورد تاکید قرار گرفته آن است که شورای امنیت می تواند از وقوع مخاصمات پیشگیری کند و بتواند در برابر برخی دولت های غربی که نسبت به حفظ صلحی که خارج از منافع آن ها انجام می گیرد و ابراز نارضایتی می کنند مقابله کند. بنابراین پیشگیری از جنگ در خاور میانه با مشکلاتی مواجه

^۱ Sohn , P ۴۰۲

است. مطالعه عملکرد شورای امنیت نشان گر آن است که شورا در ایفای مسئولیت خود برای حفظ صلح و امنیت بین المللی به موجب ماده ۲۴ منشور در مواجهه با مفهوم صلح به عنوان کلیدی ترین مفهوم منشور ملل متحد، معنایی به شرح ذیل می تواند داشته باشد:

۱- صلح به معنای فقدان جنگ و در نتیجه حفظ صلح به معنای مقابله با هرگونه مخاصمه

۲- صلح به معنای وجود روابط مسالمت آمیز

ادبیات و پیشینه پژوهش:

تحقیقات قبلی در مورد نقش شورای امنیت در جلوگیری از جنگ در خاورمیانه، جنبه های مختلف دخالت آن را بررسی کرده است. برخی از زمینه های اصلی که تا کنون بر روی آن تمرکز شده عبارتند از: صلحی و حجازی (۱۳۹۹) در مقاله خود با عنوان "تاثیر شورای امنیت سازمان ملل متحد در ایجاد امنیت و عدالت کیفری بین المللی" معضلاتی نظیر تروریسم، نقض حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه، جنایات علیه بشریت، جنایات جنگی، سرکوب های خشن دولت های خودکامه که تاثیر بسزایی در عدالت و امنیت کیفری جهانی ایفا می کنند را بررسی کرده و در نهایت ابزارهای مقابله با این بحران و ایجاد امنیت بین المللی را برشمردند.

سجاد پور و آقا محمدی (۱۳۹۴) در مقاله با عنوان "شورای امنیت، قدرت های بزرگ و عملیات حفظ صلح سازمان ملل متحد: چهارچوب های مفهومی و کارکردهای عملیاتی" به چگونگی ایفای نقش دائم شورای امنیت سازمان ملل متحد در منازعات داخلی پس از جنگ سرد پرداخته است که ابتدا چهارچوب مفهومی عملیات حفظ صلح سازمان ملل متحد و نقش شورای امنیت درباره عملیات حفظ صلح و بیان اهمیت آن برای هریک از اعضاء دائم شورا پرداخته است.

کشتیبان، احدی و جویباری (۱۳۹۹) در مقاله خود با عنوان "دیپلماسی و نقش آن در تقویت امنیت بین المللی (مطالعه موردی دیپلماسی برجام)" در پی پاسخ به این سوال بوده که دیپلماسی چه تاثیر و نقشی در تقویت امنیت بین الملل دارد؟ که به این نتیجه رسیده با پذیرش برجام، اعتماد قدرت های بزرگ و تایید آژانس بین المللی انرژی اتمی مبنی بر صلح آمیز بودن برنامه هسته ای ایران را به دست آورد و به تقویت امنیت منطقه ای و بین المللی در راستای مبارزه با داعش و تروریسم منجر شد.

مفهوم شناسی و تعاریف:

پس از بررسی مفهوم جنگ، دفاع پیش دستانه و دفاع پیشگیرانه از دیدگاه جامعه ملل و منشور سازمان ملل در مورد دستیابی به صلح، به بررسی فصل هفتم منشور و نقش شورای امنیت به عنوان رکن اصلی سازمان ملل در حفظ صلح خواهیم پرداخت. شورای امنیت در مورد اجرای این وظیفه خطیر خود با توجه به این که سازمان ملل نیروی کافی برای تحقق این امر ندارد در فصل هشتم منشور مبادرت به بررسی همکاری با سازمان های منطقه ای نموده است.

جنگ:

جنگ دارای معنای فنی در تعریف روابط بین الملل است و دولت ها اغلب وارد مخاصمات بین المللی می شوند بدون اینکه قبول نمایند از لحاظ فنی یا تخصصی در وضعیت بین المللی جنگ هستند. مخاصمات مزبور می توانند شامل برخوردهای کوچک مرزی یا عملیات گسترده نظامی باشد که ضمن بررسی تجربه تاریخی مخصوصاً فضای حاکم بر جهان معاصر، می توان گفت که جوامع بشری را از رویارویی با درگیری های مسلحانه گریزی نیست و وقوع چنین پدیده تلخ و شومی، واقعیت اجتناب ناپذیر دنیای امروزی است. مخاصمات مسلحانه (بکارگیری واژه مخاصمه مسلحانه بر مفهوم سنتی آن یعنی جنگ ترجیح داده می شود چراکه واژه مخاصم، مفهوم و

ماهیت بین‌المللی گسترده‌تری را دارا می‌باشد بنابراین قابل فهم و منطبق با واقعیات جهان معاصر است). هم در جوامع بین‌المللی و هم در جوامع داخلی روی می‌دهند. در عرصه بین‌المللی جنگ میان دولت‌ها اتفاق می‌افتد در حالی که در جوامع داخلی، جنگ در قلمرو یک دولت به وقوع می‌پیوندد. اولی را مخاصمات مسلحانه بین‌المللی و دومی را مخاصمات مسلحانه غیربین‌المللی می‌نامند. بنابراین درگیری‌های مسلحانه‌ای که در حال حاضر روی می‌دهند تحت عناوین مخاصمات مسلحانه بین‌المللی و مخاصمات مسلحانه غیر بین‌المللی مورد مطالعه و بررسی قرار می‌گیرند. حقوق بین‌الملل بشر دوستانه تقسیم‌بندی فوق را به رسمیت می‌شناسد و قواعد و مقررات آن بر چنین مخاصماتی حاکم است و طرفین مخاصمه ملزم به رعایت آنها می‌باشند. (حقوق مخاصمات مسلحانه بین‌المللی و مسلحانه)

جنگ از دیدگاه روابط عمومی بین‌المللی را می‌توان به عنوان حالت درگیری مسلحانه بین دولت‌های مستقل یا سایر گروه‌های سازمان یافته تعریف کرد که با استفاده از زور و خشونت برای دستیابی به اهداف سیاسی، اقتصادی یا اجتماعی مشخص می‌شود. در زمینه روابط عمومی، جنگ شامل انتشار پیام و اطلاعات به مخاطبان داخلی و بین‌المللی برای شکل دادن به برداشت‌ها، جلب حمایت و مدیریت شهرت و تصویر طرف‌های درگیر است.

در اصل، از دیدگاه روابط عمومی بین‌الملل، جنگ یک چالش ارتباطی پیچیده و چندوجهی است که شامل مدیریت استراتژیک اطلاعات، ادراک و افکار عمومی در مقیاس جهانی می‌شود.

دفاع پیش‌دستانه:

مفهوم «پیش‌دستانه» یکی از مفاهیم نسبتاً جدیدی است که در حوزه «دفاع مشروع» مطرح می‌شود. طبق دکترین «دفاع پیش‌دستانه» که با نام «دفاع مشروع پیش‌دستانه» نیز خوانده می‌شود، پاسخ مسلحانه به حملات قریب‌الوقوع و یا آنجا که حمله‌ای صورت گرفته است و دولت

قربانی دریافته است که حملات بیشتری در حال طراحی است که در آینده انجام بپذیرد، مجاز و مشروع است؛ بنابراین دکتترین «دفاع پیش‌دستانه» توسل به زور را در چندین حالت مجاز می‌شمارد؛ حالت اول آنکه شواهد متقاعد‌کننده‌ای مبتنی بر وقوع یک حمله مسلحانه قریب‌الوقوع وجود داشته باشد، دوم آنکه دولتی یک بار مورد حمله مسلحانه قرار گرفته و شواهد آشکار و متقاعد‌کننده‌ای مبنی بر حملات آتی دشمن در اختیار داشته باشد. در این حالت نیازی به منتظر ماندن دولت قربانی نیست و آن دولت می‌تواند قبل از وقوع حملات آتی به دفاع مشروع پیش‌دستانه متوسل شود؛ اما در صورت فقدان شواهد متقاعد‌کننده مبنی بر حملات آتی، توسل به نیروی مسلحانه تحت لوای دفاع از خود، غیرقانونی و غیرمشروع خواهد بود.^۱ استناد به دکتترین دکتترین دفاع مشروع پیش‌دستانه را می‌توان در جریان حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ و واکنش دولت امریکا و متحدانش مشاهده کرد. در واقع این کشورها با توجه به قطعنامه‌های ۱۳۶۸ و ۱۳۷۳ شورای امنیت که حق دفاع فردی و دسته‌جمعی را برای ایالات متحده و هم‌پیمانانش به رسمیت شناخته بود و در واقع سعی کرده بود تا میان تهدیدات تروریستی و حملات مسلحانه مندرج در ماده ۵۱ منشور ارتباط برقرار کند، با استناد به اینکه شواهدی مبنی بر وقوع حملات بیشتر از سوی گروه‌های تروریستی ساکن در افغانستان وجود دارد و حادثه ۱۱ سپتامبر تنها بخشی از سلسله حملات تروریست‌ها علیه امریکا بوده است، حملات خود را به افغانستان تحت عنوان «دفاع مشروع پیش‌دستانه» انجام دادند.^۲ این در حالی است که پاره‌ای از دیپلمات‌ها و متخصصین روابط بین‌الملل بیان می‌کنند که حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر را نمی‌توان حمله‌ای مسلحانه خواند و شورای امنیت نباید مجوز به اعمال زور را طبق ماده ۵۱ منشور صادر می‌کرد، در مقابل عده‌ای دیگر از دیپلمات‌ها و متخصصین روابط بین‌الملل بیان می‌کنند که با

^۱ شریفی، ۱۳۸۲

^۲ Raberts, ۱۳۸۲, P ۱۵۷

توجه به گستردگی حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر و مجوزهای صریح شورای امنیت می‌توان از ماده ۵۱ منشور تفسیری موسع داشت و این حملات را در زمره حملات مسلحانه قرار داد.^۱

دفاع پیشگیرانه:

یکی از تحولات مفهومی که در حوزه روابط بین الملل راجع به «دفاع مشروع» صورت گرفته است و در واقع این اصل را مورد بازنگری و تفسیر موسع قرار داده است، ظهور مفهوم «دفاع پیشگیرانه» است. به طور کلی دفاع پیشگیرانه به مواردی گفته می‌شود که یک دولت برای سرکوب هرگونه احتمال حمله آتی توسط دولتی دیگر به طور ابتدایی و به استناد دفاع از خود بدون آنکه حمله اولیه‌ای صورت گرفته باشد، به زور متوسل می‌شود.^۲ در همین زمینه باید اشاره شود در حالی که دفاع پیش دستانه طبق مجوز شورای امنیت و حقوق بین الملل عرفی امری مشروع و قانونی و در حوزه دفاع مشروع گنجانده می‌شود، دفاع پیشگیرانه که گاهی از آن به عنوان جنگ پیشگیرانه نیز یاد می‌شود، در روابط بین الملل جاری از نظر بسیاری از دیپلمات‌ها و متخصصین روابط بین الملل امری کاملاً غیرمشروع است؛^۳ چرا که همان گونه که بیان شد دفاع یک دولت از خود زمانی مشروع است که تنها در پاسخ به یک حمله مسلحانه باشد. در همین زمینه می‌توان به موضع گیری خود شورای امنیت سازمان ملل نیز در رد دفاع پیشگیرانه زمانی که اسرائیل در سال ۱۹۸۱ رأکتور هسته‌ای اسیریک را در عراق با استناد به دفاع پیشگیرانه از رژیم خود توجیه کرد و این شورا در پاسخ به این حمله آن را صریحاً مغایر اصول منشور سازمان ملل و قواعد بین المللی دانست، اشاره کرد.^۴

^۱ Reisman , ۲۰۰۳, ۸۸)

^۲ Gray, ۲۰۰۲, P ۴۵

^۳ (Gray ۲۰۰۰:۹۱

^۴ شریفی، ۱۳۸۲، ص ۱۰۰

شاخص های مهم و تاثیر گذار بر تقویت نقش شورای امنیت و افزایش کارایی در پیشگیری از جنگ:

۱- داشتن صلاحیت حفظ صلح و امنیت بین المللی

صلح حالتی است که در آن جنگ حکمفرما نباشد.^۱ صلح تا قبل از تاسیس ملل متحد در روابط بین المللی همین مفهوم را داشت لکن ملل متحد مفهوم آن را توسعه داده و به عنوان " یک نهاد نظم بین المللی مبتنی بر عدالت تلقی کرده است"، بنابراین از این دیدگاه دیگر، صرفاً فقدان جنگ به معنای برقراری و تداوم صلح نیست بلکه انجام هر عملی که در تعارض با عدالت باشد ممکن است سبب تهدید صلح و نقض آن شود. از اینرو بندهای ۲ و ۳ ماده ۱۰ منشور ملل متحد تقویت صلح از طریق توسعه روابط دوستانه بین المللی را بیان می کند. که منجر به کاهش علل زمینه های وقوع جنگ و تحکیم صلح جهانی خواهد بود.

از طرفی بر اساس بند ۲ ماده ۲۴ شورای امنیت در اجرای وظیفه حفظ صلح و امنیت بین المللی، طبق اهداف و اصول ملل متحد عمل می کند. اختیارات ویژه ای که برای انجام وظایف مذکور به شورای امنیت واگذار شده در فصول ۶، ۷، ۸ و ۱۲ بیان شده است.^۲ در چهارچوب مقررات فصل ششم منشور، شورای امنیت نقش میانجی گری و در چهارچوب فصل هفتم به عنوان مجری نظم عمل می کند.^۳ طبق یک دیدگاه، شورای امنیت در انجام وظایف فصل هفتم هیچ محدودیتی ندارد و تشخیص شورا مقید به حقوق بین المللی نیست.^۴ اما واقعیت این است که ارکان سازمان ملل، تابعان حقوق بین المللی محسوب می شوند و در ایفای وظایفشان ملزم به رعایت قواعد حقوق بین الملل هستند.

^۱ محمد جعفر جعفری لنگرودی، ۴۰۸، ص ۱۳۸۴

^۲ کلود کلیپار، ۱۳۷۱، ص ۲۱۴-۲۲۰

^۳ سید داوود آقایی، ۱۳۸۲، ص ۱۰۶

^۴ Kelsen, Hans, ۲۰۰۴, P۵۵۲

۲- داشتن اختیارات لازم برای حفظ صلح و امنیت بین الملل

اصلاح حفظ صلح ابتدا در میثاق جامعه ملل مطرح شد. بر اساس مواد ۱۰، ۱۱، ۱۵ و ۱۶ میثاق، هیئات های ناظر بر صلح در زمان بحران های مختلف ایجاد شدند.^۱ اما در منشور مقررات صریحی برای ایجاد نیروی حافظ صلح پیش بینی نشده است. اگرچه استفاده از نیروی حافظ صلح در منشور پیش بینی نشده است، ضرورت های حفظ صلح و امنیت بین المللی در دوران جنگ سرد ایجاب کرد که شورای امنیت از این نیروها در حفظ و برقراری صلح بهره گیرد

برای آن که شورا بتواند از اقدامات قهری فصل هفتم استفاده نماید و در انجام وظایف هیچ محدودیتی نداشته باشد، باید یکی از مصادیق سه گانه مندرج در ماده ۳۹ منشور محقق شده باشد، یعنی وجود "تهدید علیه صلح"، "نقض صلح" و "عمل تجاوز" و این همان چیزی است که به شورای امنیت اختیارات لازم برای حفظ صلح و امنیت بین الملل را می دهد.

۳- پویایی ژئوپلیتیک منطقه ای:

ژئوپلیتیک خاورمیانه پویا و پیچیده است. در طول دو دهه گذشته، این منطقه دستخوش درگیری های نظامی شده است. اقتصادهای ورشکسته و ساختارهای دولتی ناکام، حاکمیت های ضعیف، انقلاب ها و خیزش های مدنی، بلایای طبیعی و ساخته دست انسان، افزایش گروه های افراطی، تهدیدهای مربوط به گسترش هسته ای، استفاده از سلاح های شیمیایی و مهاجرت گسترده مردم از بحران هایی است که این منطقه با آن روبرو می باشد. که می توان گفت دولت های خاور میانه نه تنها فاقد یک چشم انداز ژئوپلیتیک مجرد هستند بلکه دارای انواع دیدگاه هایی هستند که تحت تاثیر تاریخ، ایدئولوژی سیاسی و مکان جغرافیایی شکل گرفته اند. از آنجا

^۱ ناصر ثقفی عامری، ۱۳۷۶، ص ۳۷

که این مدل‌ها پیوسته به عنوان چهارچوب توجیهی مسائل ژئوپلیتیکی منطقه استفاده می‌شود. لذا جایگاه ژئوپلیتیک منطقه خاورمیانه را آشکار می‌سازد.

می‌توان گفت منطقه خاور میانه به عنوان منطقه حاشیه اوراسیا در برخورد میان قدرت‌های جهانی هنوز به صورت یک منطقه کلیدی استراتژیک دیده می‌شود و این کاملاً جدا از نگرانی‌هایی است که بر سر دسترسی به میدان‌های نفتی وجود دارد می‌باشد. ویلیام کلارک^۱ معتقد است که این منطقه مرکز بروز تمدن و ابداعات بوده است. از اینرو شورای همکاری خلیج فارس به عنوان یک واکنش منطقه‌ای به وجود آمد که اهمیت ژئوپلیتیک محلی و منطقه‌ای را در خاورمیانه آشکار سازد. در واقع خاورمیانه به عنوان یک منطقه استراتژیک بزرگ، مهره اصلی بازی در دست قدرت‌های بزرگ می‌باشد و در این مکان جغرافیایی، منافع اقویاء مورد تلاقی و برخورد بین همدیگر قرار می‌گیرد. از سوی دیگر برخی از کشورهای بزرگ و معادله‌ساز در این منطقه به علت ایفای نقش "شریک و یا همکار استراتژیک" برای بلوک‌های قدرت در نظام بین‌الملل، یک سیستم پر فشار ژئوپلیتیک در منطقه را دامن زده‌اند و همیشه در راستای تامین منافع اقویا کوشیده‌اند که مسبب اصلی درگیری‌های طولانی مدت، جنگ قدرت و رقابت بین دولت‌ها شده است و این مسئله به طور مستقیم بر توانایی شورای امنیت برای جلوگیری از جنگ تأثیر می‌گذارد و شورا را ملزم می‌نماید روابط پیچیده بین قدرت‌های منطقه‌ای را بررسی کند و به منافع متفاوت آن‌ها بپردازد تا به طور موثر به صلح و ثبات در منطقه کمک کند.

۴- درگیری‌های بین‌دولتی و اختلافات سرزمینی:

مناقشات ارضی و درگیری‌های بین‌دولتی در خاورمیانه چالشی اساسی برای تلاش‌های شورای امنیت برای جلوگیری از جنگ ایجاد می‌کند. از جمله حل و فصل مناقشات مربوط به اسرائیل و

^۱ Klark, ۱۹۶۵, p۴۳۳-۴۳۴

فلسطین، تنش‌ها بین ایران و همسایگانش و درگیری‌ها در یمن، سوریه و لیبی نیازمند تلاش‌های دیپلماتیک و حل مناقشه قابل توجهی از سوی شورا است.

۵- نفوذ بازیگران غیردولتی:

تعاریف ارائه شده در خصوص بازیگران غیر دولتی، اختلاف زیادی با هم دارند، برخی آن را شامل تمامی بازیگرانی می‌دانند که دولتی یا نماینده دولت نیستند. جامع‌ترین تعریف توسط جسلین و والاس ارائه شده است که آن را شامل همه سازمان‌هایی می‌دانند که:

کاملاً مستقل از تامین مالی و کنترل حکومت مرکزی، برآمده و برخاسته از جامعه مدنی یا از اقتصاد بازار و یا تمایلات سیاسی فراسوی کنترل و نظارت دولت می‌باشند.

بازیگران غیر دولتی که در سیاست جهانی مشغول فعالیت و ایفای نقش می‌باشند، یا مروج ارزش‌های جهانی‌اند و یا به دنبال سود و منفعت تفرقه‌انگیز و یا در جستجوی رستگاری و نجات. آن‌ها شامل شرکت‌های فراملیتی و نهادهای مالی، سازمان‌های بین‌المللی جامعه مدنی، جنبش‌های مبتنی بر ایمان و مقاطعه‌کاران نظامی خصوصی که از برخی جهات به مزدوران قدیمی شباهت دارند، می‌باشد. آن‌ها همچنین شامل موجودیت غیر قانونی مانند تروریست‌های فراملی و شبکه‌های تبهکارانه می‌شوند که به رغم تفاوت‌های شکلی و ماهویشان، عموماً در سطح جهانی فکر کرده و عمل می‌نمایند. در واقع سازمان‌های غیر دولتی در جامعه مدنی بین‌المللی معیارهای رفتار بین‌المللی را که به طور فزاینده‌ای اقدامات تک‌تک دولت‌ها را در تنگنا قرار می‌دهند، تدوین می‌کنند.

در کتاب روابط فراملی و سیاست جهانی نیز بر اهمیت بازیگران غیر دولتی مانند شرکت‌های چند ملیتی و روابط میان آن‌ها در سطح فراملی، نقش گروه‌های انقلابی، اهمیت روابط اقتصادی

در تعاملات جهانی و تحول جهان تاکید می شود. استدلال اصلی طرفداران این تئوری این بوده است که دولت ها، کنترل خود را بر رویداد ها، کم و بیش از دست می دهند، درست است که دولت ها همچنان حاکمیت حقوقی خود را حفظ می کنند، اما خود مختاری خود را از دست می دهند و بازیگران مختلف، در حوزه های موضوعی مختلف، به اشکال متفاوتی خوشه بندی می شوند و در ارتباط با یکدیگر و با دولت ها قرار می گیرند.

از این رو حضور و نفوذ بازیگران غیردولتی، از جمله گروه های مسلح، نیروهی نظامی خصوصی و سازمان های تروریستی، نقش شورای امنیت را در جلوگیری از جنگ پیچیده تر می کند. پرداختن به فعالیت ها و تأثیر بازیگران غیردولتی در منطقه، از جمله ایدئولوژی های افراطی و شورش های مسلحانه، برای تقویت ثبات و کاهش خطر تشدید درگیری، ضروری است.

۶- پویایی و اتحاد قدرت منطقه ای:

قدرت منطقه ای واژه ایی است که استفاده از آن در تجزیه و تحلیل های مربوط به امور بین المللی بسیار رایج است. این واژه که بنیان نظری خاصی در رابط بین الملل دارد، گویای نوع خاصی از تقسیم بندی دولت هاست که در آن، قدرت ملی به مثابه معیار اصلی مورد توجه قرار می گیرد. قدرت های منطقه ایی در واقع قدرتمند ترین دولت ها در سطح مناطق یا سیستم های منطقه ای هستند. به نظر ماکس شوومان^۱ برای اینکه قدرت منطقه ای بتواند در نقش رهبر منطقه ای عمل کند، باید حائز چهار پیش شرط مهم باشد؛ ۱- پویایی های داخلی، ۲- تمایل، ۳- ظرفیت ها، ۴- پذیرش؛ که از بین این چهار شرط، پویایی های داخلی در اقتصاد و سیستم سیاسی دولت باعث می شود قدرت منطقه ای بتواند نقش پیش رو و ثبات دهنده را در منطقه بازی کند.

^۱ Maxi Schoeman

از طرفی شورای همکاری خلیج فارس به عنوان یکی از مهمترین اتحادهای چند جانبه گرای درون منطقه ای خاور میانه است که در سال ۱۹۸۱ با محوریت دولت های عربی حاشیه خلیج فارس، یعنی عربستان، بحرین و عمان، کویت، قطر و امارات تشکیل شد که با اتحاد، همسویی و پویایی قدرت در میان کشورهای خاورمیانه و بازیگران خارجی موجبات افزایش توانایی شورای امنیت برای جلوگیری از جنگ شد که می توان گفت مدیریت منافع و مداخلات قدرت های بزرگ جهانی و منطقه ای در خاورمیانه برای تقویت رویکرد مشارکتی برای پیشگیری از درگیری ضروری است.

۷- رقابت های منطقه ای بر سر منابع و نگرانی های امنیتی:

جغرافیای جهانی منابع طبیعی با نقاط مازاد و کمبود تعریف می شود و در این راستا براساس آخرین محاسبات صورت گرفته، موجودی نفت دنیا حدود ۱۲۵۸ میلیارد بشکه است که ۹۵۵ میلیارد بشکه آن به کشورهای عضو اوپک تعلق دارد^۱. این در حالی است که از پنج عضو اصلی و دارنده بیشترین ذخایر و مؤسس این سازمان (یعنی ایران، عراق، کویت، عربستان و ونزوئلا)، چهار عضو آن از خاورمیانه هستند که اگر قطر، امارات، لیبی و یمن را نیز بدان اضافه کنیم بیشتر به میزان وجود منابع نفت و گاز در این منطقه و از طرفی چگونگی تأثیرگذاری سازمان اوپک پی می بریم^۲. همه این مطالب، بر اهمیت یافتن روزافزون منطقه خاورمیانه تأکید دارند. از این رو رابطه کاملاً مستقیمی میان امنیت ملی کشورهای خاورمیانه با میزان منابع طبیعی آنها و از طرفی قیمت های جهانی نفت و گاز وجود دارد؛ زیرا هرچه قیمت نفت و گاز در بازارهای جهانی

^۱ www.bpenergy.com، ۸۹/۰۲/۱۷

^۲ موسی زاده، ۱۳۸۸: ۳۶۳

افزایش یابد، به دلیل تأثیرپذیری کشورهای این منطقه از تورم و رکود جهانی و تک محصولی بودن این کشورها، سود چندانی عایدشان نمی‌شود و عملاً مغلوب تعاملاتشان با نظام سلطه می‌شوند.

رقابت‌های منطقه‌ای بر سر منافع فقط به نفت ختم نمی‌شود بلکه دیگر اختلافات بر سر منابع آب، انرژی و استراتژیک، قدرت اول منطقه شدن و همچنین نگرانی‌های امنیتی گسترده‌تر مربوط به تکثیر تسلیحات و افزایش نظامی نیز، بر پتانسیل درگیری در منطقه تأثیر می‌گذارد. شورای امنیت باید به این عوامل اساسی بپردازد تا خطر درگیری‌های مسلحانه ناشی از تنش‌های مرتبط با منابع را کاهش دهد.

۸- بحران‌های بشردوستانه و جریان‌های پناهجویان:

اندیشه پناهندگی از ویژگی‌های همیشگی تاریخ بشر، بتدریج در حقوق بین‌الملل گنجانده شده که اوج آن ایجاد کنوانسیون پناهندگان مربوط به موقعیت پناهندگان در سال ۱۹۵۱ و پروتکل آن سال ۱۹۶۷ است. تا نیمه دو سال ۲۰۰۵ بیش از ۱۴۶ کشور از ۱۹۱ کشور عضو سازمان ملل متحد به این اسناد بین‌المللی پیوسته بودند، اسنادی که مورد حمایت و نظارت کمیساریای عالی ملل متحد در امور پناهندگان قرار دارند این اصول مدون پناهندگی، حقوق و تعهدات مربوط به کسانی را مشخص کرد که مجبور شده‌اند کشور خود را ترک کنند و به علت ترسی موجه از تعقیب و آزار به دلایل مختلف نیازمند حمایت بین‌المللی هستند.

بحران‌های بشردوستانه، جابه‌جایی‌های گسترده و جریان‌های پناهجویان ناشی از درگیری‌ها در خاورمیانه، چالش‌های مهمی را برای تلاش‌های شورای امنیت برای جلوگیری از جنگ ایجاد

می‌کند. پرداختن به تأثیر انسانی درگیری‌ها و حمایت از تلاش‌ها برای ارائه کمک‌های بشردوستانه و حفاظت از پناهندگان برای جلوگیری از بی‌ثباتی و خشونت بیشتر ضروری است. پرداختن به این عوامل چند وجهی برای تقویت نقش شورای امنیت در پیشگیری از جنگ و ترویج صلح پایدار در خاورمیانه بسیار مهم است.

ابزارهای شورای امنیت در پیشگیری از جنگ:

۱- تحریم های هوشمند

مجموعه تحریم ها در حقوق و سیاست بین المللی مجموعه اقدامات با ماهیت اجباری هستند که هدف آن ها وادار ساختن دولت ها، بازیگران بین المللی یا افراد غیر مطیع به رعایت هنجار حقوق بین الملل یا پیروی از خواست و سیاست مورد نظر نهاد صادر کننده تحریم می باشد. حال می توان گفت تحریم های هوشمند تحریم هایی هستند که علیه آن دسته از افراد، گروه ها یا مقامات عالی رتبه اعمال می شوند که مسئول تخلف از قواعد بین المللی هستند^۱. پس از تجربه تلخ اعمال تحریم های جامع، شورای امنیت برای کاهش آثار ناگوار این گونه تحریم ها بر مردم بی گناه و همچنین افزایش تاثیر گذاری آن ها، به سمت هدفمند کردن تحریم ها گام برداشت. تحریم های بین المللی که در قالب سازمانی آن، از جمله در چهارچوب فصل هفتم منشور مورد توجه قرار گرفته اند، از این ظرفیت برخوردارند که با تحت فشار قرار دادن دولتی خاص آن را به تمکین در مقابل اراده شورای امنیت به عنوان نماینده جامعه بین المللی، وادار سازند.

^۱ فرخی، ۱۳۸۷، ص ۱۸

۲- تحریم‌های تسلیحاتی:

تحریم تسلیحاتی یک محدودیت یا مجموعه‌ای از تحریم‌ها است که فقط در مورد تسلیحات نظامی اعمال می‌شود و ممکن است در مورد استفاده از «فناوری‌های دوگانه» اعمال شود. تحریم تسلیحاتی به چند هدف اعمال می‌شود:

ارسال پیام عدم تأیید رفتار یک کشور یا گروه خاص

برای حفظ بی‌طرفی در یک درگیری مداوم

به عنوان سازوکار صلح که بخشی از روند صلح برای پایان دادن به درگیری مسلحانه است

محدود کردن توانایی یک کشور یا گروه برای تحمیل خشونت به دیگران

جهت تضعیف توانایی‌های نظامی کشورها قبل از مداخله نظامی خارجی

از این رو شورای امنیت این اختیار را دارد که تحریم‌های هدفمند، از جمله تحریم‌های تسلیحاتی، علیه طرف‌های درگیر یا مشارکت‌کننده در درگیری‌ها اعمال کند. این اقدامات برای تحت فشار قرار دادن طرف‌های درگیر برای توقف خصومت‌ها، پیروی از قواعد بین‌المللی و شرکت در مذاکرات صلح آمیز طراحی شده است.

۳- قطعنامه‌های اجرائی یا اجباری

قطعنامه شورای امنیت، حاصل تصمیمات شورای امنیت سازمان ملل متحد، بعد از تبادل نظر در خصوص موضوعات مورد بحث، است. برای پذیرش یک قطعنامه باید دست کم ۹ عضو از پانزده عضو شورای امنیت به آن رأی مثبت دهند و هیچ یک از اعضای دائم به آن رأی مخالف ندهند.

بیشتر کارشناسان^۱ بیشتر مصوبات مجمع عمومی را غیرالزام آور می‌دانند. در مواد ۱۰ و ۱۴ منشور سازمان ملل به قطعنامه‌های مجمع عمومی به عنوان «توصیه» اشاره شده‌است. ماهیت پیشنهادی قطعنامه‌های مجمع عمومی بارها توسط دیوان بین‌المللی دادگستری مورد تأکید قرار گرفته‌است^۲ با این حال، برخی از مصوبات مجمع عمومی در مورد امور داخلی سازمان ملل، مانند تصمیمات بودجه یا دستورالعمل‌های ارگان‌های سطح پایین‌تر، به وضوح برای مخاطبان آنها لازم الاجرا است طبق ماده ۲۵ منشور، کشورهای عضو سازمان ملل متحد ملزم به انجام «تصمیمات شورای امنیت مطابق با این منشور» هستند. قطعنامه‌هایی که تحت فصل هفتم صادر می‌شوند، لازم الاجرا محسوب می‌شوند، اما قطعنامه‌های مربوط به فصل ششم هیچ مکانیسم اجرایی ندارند و به‌طور کلی طبق قواعد بین‌المللی فاقد هرگونه الزام آور هستند. در سال ۱۹۷۱، بیشتر اعضای دادگاه بین‌المللی دادگستری آن زمان (ICJ) در رایزنی غیر الزام‌آور نامیبیا اظهار داشتند که کلیه قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل از نظر قانونی لازم الاجرا است این ادعا توسط ICJ و دیگران مقابله شده‌است دی‌وت معتقد است که قطعنامه‌های فصل ششم نمی‌توانند لازم الاجرا باشند. در استدلال او، در بخشی از اظهارات:

به عنوان نمونه در ۳۰ تیر ۱۳۶۶ (۲۰ ژوئیه ۱۹۸۷) شورای امنیت ملل متحد مبادرت به تصویب قطعنامه ۵۹۸ می‌کند از شروع مناصمه تا تصویب این قطعنامه شورای امنیت مبادرت به صدور هفت قطعنامه کرد. که قطعنامه ۵۹۸ به عنوان نقطه عطفی در عملکرد شورا در قبال جنگ ایران و عراق بود زیرا پس از گذشت نزدیک به ۷ سال جنگ برای اولین بار شورای امنیت "نقض صلح" را احراز نمود و تصریح کرد که بر اساس مواد ۳۹ و ۴۰ منشور ملل متحد اقدام کند که تصویب این قطعنامه در آن زمان به منزله حربه ای برای الزام ایران به قبول آتش بس بود.

۴- ابتکارات دیپلماتیک و میانجیگری:

شورای امنیت از کانال‌های دیپلماتیک و تلاش‌های میانجی‌گری برای جلوگیری از جنگ با تسهیل مذاکرات، میانجی‌گری اختلافات بین طرف‌ها و تقویت گفت‌وگو با هدف حل و فصل

^۱ e.g. Higgins, ۱۹۹۴. P ۲۱

^۲ Sergei A, ۱۹۹۵, P۹۵

مسالمت آمیز درگیری‌ها استفاده می‌کند. ممکن است نمایندگان ویژه ای منصوب کند یا از ظرفیت های دیپلماتیک خود برای تعامل با طرف های متخاصم و تشویق حل مسالمت آمیز اختلافات استفاده کند.

۵- عملیات حفظ صلح:

عملیات حفظ صلح سازمان ملل متحد ابزاری ویژه و کاربردی برای کمک به حفظ صلح و امنیت و پایداری آن در جامعه بین المللی است. نیروهای حافظ صلح می کوشند از طریق برقراری صلح و روش های مسالمت آمیز به خشونت ها و درگیری های ایجاد شده در داخل یک کشور یا میان دو کشور درگیر خاتمه دهند از اینرو شورای امنیت می تواند اجازه استقرار مامورهای حافظ صلح که بنا به درخواست دبیر کل در اختیار قرار می گیرند را در مناطق در معرض خطر درگیری مسلحانه بدهد. در کلیه عملیات حفظ صلحی که از سال ۱۹۷۳ به بعد ایجاد شد کشورهای داوطلب و فرمانده نیرو با مشورت شورای امنیت و طرفین درگیر برگزیده می شود که هدف این ماموریت ها ایجاد یک محیط امن، تسهیل فرآیندهای صلح و حفاظت از غیرنظامیان است. آنها می توانند با ایجاد ثبات و ایجاد حائلی بین طرف های درگیر، نقشی حیاتی در جلوگیری از شیوع یا تشدید خصومت ها ایفا کنند.

۶- پیشگیری از درگیری و حمایت میانجیگری:

بحران های بین المللی، رویدادهای خطرناکی هستند که نه تنها مستقیماً به بازیگران درگیر در منازعه آسیب می زنند بلکه قادرند کل سیستم بین المللی را بی ثبات سازند و برای همیشه

توزیع قدرت را در درون سیستم بین المللی و همچنین زیر سیستم منطقه ایی تغییر دهند^۱ بر این مبنا امروزه مدیریت منازعات بین المللی در اولویت دستور کار جهانی قرار گرفته است، در خصوص حل منازعات، راه حل های صلح آمیزی برای مدیریت مخاصمات، شامل مذاکره، میانجیگری، داوری، قضاوت و... وجود دارد که از میان آن ها میانجی گری از مزایایی بسیاری زیادی برخوردار است در واقع می توان گفت میانجی گری یک نوع صلح آمیز از مدیریت منازعات میان طرفین درگیری است که خواهان کمک به حل اختلافات است^۲

از این رو شورای امنیت بین الملل دارای ابتکارات پیشگیری از درگیری و میانجیگری می باشد، که از طریق بخشهای تخصصی خود مانند اداره امور سیاسی و صلح و اداره عملیات صلح آن را پشتیبانی می کند. این شورا تجزیه و تحلیل، مشاوره و پشتیبانی را برای جلوگیری از درگیری و رسیدگی به علائم هشدار دهنده اولیه خشونت بالقوه، ارائه می کند.

۷- اقدامات اجرایی:

در مواردی که اقدامات مسالمت آمیز برای جلوگیری از جنگ کافی نیست، شورای امنیت ممکن است به اقدامات اجرایی از جمله استفاده از نیروهای نظامی چند ملیتی برای حفظ یا بازگرداندن صلح و امنیت بین المللی مجوز دهد. این اقدامات در راستای پایبندی به منشور ملل متحد و با هدف سرکوب اقدامات تجاوزکارانه و حل و فصل درگیری ها انجام می شود.

^۱ Wilkenfeld & Others, ۲۰۰۳:۲۷۹

^۲ Bercovitch, ۱۹۸۶:۱۵۶

۸- دیپلماسی مشورتی و پیشگیرانه:

شورای امنیت با اعمال نفوذ خود برای ترویج گفتگو، جلوگیری از تشدید تنش ها و جلوگیری از بروز درگیری ها، به دیپلماسی پیشگیرانه می پردازد. ممکن است میانجیگری جمعی ارائه دهد، در مأموریت های حقیقت یاب شرکت کند و به طرف های مربوطه برای جلوگیری و حل اختلافات مشاوره دهد.

۹- کمک و حفاظت بشردوستانه:

امروزه سازمان ملل متحد و به ویژه شورای امنیت به نقض فاحش و گسترده حقوق بشر دوستانه واکنش نشان داده و آن را تهدیدی علیه، صلح، عدالت و امنیت بین المللی می دانند. در واقع، می توان گفت عوامل تهدید کننده صلح و امنیت بین المللی با توجه به مقتضیات زمانی و مکانی تغییر یافته و در کنار عوامل سنتی مانند تجاوز نظامی، اشغال نظامی، تهدید به حمله مسلحانه و ... عوامل سنتی مانند تجاوز نظامی شورای امنیت با اجبار و هماهنگ کردن کمک های بشردوستانه به جمعیت های آسیب دیده، به تأثیرات انسانی درگیری ها می پردازد. این سازمان بر حفاظت از غیرنظامیان تأکید می کند و از تلاش ها برای کاهش پیامدهای انسانی درگیری ها، کمک به جلوگیری از بی ثباتی و خشونت بیشتر حمایت می کند.

۱۰- دخالت بشردوستانه:

مداخله بشردوستانه به استفاده از نیروی نظامی یا سایر اشکال مداخله توسط یک یا چند دولت یا سازمان بین المللی برای محافظت از افراد یا جمعیت ها در برابر نقض شدید حقوق بشر یا بحران های بشردوستانه اشاره دارد. این معمولاً بدون رضایت دولت محل مداخله انجام می شود و به

دلیل جلوگیری یا توقف رنج گسترده یا نقض حقوق بشر توجیه می‌شود. تصمیم برای مشارکت در مداخله بشردوستانه اغلب پیچیده است و شامل ملاحظات قانونی، مشروعیت و اثربخشی است. هدف شورای امنیت از طریق استفاده مؤثر از این ابزارها، پیشگیری فعالانه از درگیری‌ها، کاهش خطر جنگ و ترویج صلح پایدار در مناطقی است که با بی‌ثباتی و خشونت مواجه هستند.

آسیب شناسی:

شورای امنیت در تلاش‌های خود برای جلوگیری از جنگ، به ویژه در زمینه رسیدگی به درگیری‌ها در مناطق مختلف، با چالش‌های متعددی مواجه است. برخی از چالش‌های کلیدی عبارتند از:

۱- حق و تو:

ساختار شورای امنیت به اعضای دائم خود حق و تو اعطا می‌کند که می‌تواند مانع از توانایی شورا در واکنش سریع و موثر به درگیری‌های نوظهور شود. اختلافات میان اعضای دائمی که منجر به وتوی قطعنامه‌ها می‌شود، می‌تواند مانع از اقدام به موقع و قاطع برای جلوگیری از جنگ شود.

۲- پویایی پیچیده منطقه‌ای:

ماهیت چندوجهی و به هم پیوسته درگیری‌های منطقه‌ای چالشی مهم برای تلاش‌های شورای امنیت برای جلوگیری از جنگ ایجاد می‌کند. درک و پرداختن به پویایی‌های پیچیده سیاسی، تاریخی و اجتماعی در مناطق خاص می‌تواند دلهره آور باشد، به ویژه زمانی که منافع و اتحادهای رقیب در بازی هستند.

۳- بازیگران غیردولتی و تهدیدات فراملی:

بازیگران غیردولتی، از جمله گروه‌های مسلح، نیروهای نظامی خصوصی، سازمان‌های تروریستی و شبکه‌های جنایی فراملی، چالش بزرگی در برابر دستور شورای امنیت برای جلوگیری از جنگ ایجاد می‌کنند. ماهیت غیرمتمرکز و متنوع این بازیگران، مشارکت و پاسخگویی آنها را در چارچوب روابط بین‌المللی موجود دشوار می‌سازد.

۴- ظرفیت اجرایی محدود:

در حالی که شورای امنیت صلاحیت مجوز دادن به اقدامات اجرایی از جمله استفاده از زور را دارد، اما در ظرفیت اجرایی خود با محدودیت‌هایی مواجه است. چالش‌هایی مانند تأمین مشارکت نیروها، حمایت لجستیکی، و غلبه بر بی‌میلی احتمالی کشورهای عضو برای مشارکت در اقدامات اجرایی، می‌تواند مانع از توانایی شورا برای بازدارندگی و جلوگیری مؤثر از جنگ شود.

۵- محدودیت‌های منابع:

ابتکارات شورای امنیت برای پیشگیری از جنگ اغلب توسط منابع محدود، از جمله منابع مالی و انسانی، محدود می‌شود. توانایی شورا برای حفظ تلاش‌های طولانی‌مدت پیشگیری از درگیری، حمایت از ماموریت‌های حافظ صلح و ارائه کمک‌های بشردوستانه می‌تواند به دلیل کمبود منابع و اولویت‌های رقابتی جهانی با مشکل مواجه شود.

۶- بحران های بشردوستانه و پناهندگان:

شورای امنیت با چالش رسیدگی به بحران های بشردوستانه و جریان های گسترده پناهجویان ناشی از درگیری ها دست و پنجه نرم می کند. این بحران ها نه تنها منابع شورا را تحت فشار قرار می دهند، بلکه پیچیدگی های بیشتری برای جلوگیری از تشدید خشونت و بی ثباتی ایجاد می کنند.

۷- فقدان اجماع و اراده سیاسی:

دستیابی به اجماع بین اعضای شورای امنیت در مورد اقدامات پیشگیرانه و مسیرهای اقدام می تواند مانع بزرگی باشد. منافع ملی متفاوت، رقابت های ژئوپلیتیکی و ارزیابی های متفاوت از موقعیت های درگیری می تواند مانع از توانایی شورا در انجام اقدامات پیشگیرانه قاطع و متحد شود.

۸- اصل حاکمیت دولت و نگرانی های مداخله:

اصل حاکمیت دولت اغلب با دستور شورا برای جلوگیری از جنگ و رسیدگی به درگیری ها در تضاد است. نگرانی در مورد نقض حاکمیت دولت، به ویژه در مواردی که ممکن است مداخلات بشردوستانه یا اجرای صلح ضروری باشد، می تواند چالش هایی را برای تلاش های پیشگیرانه شورا ایجاد کند. اصل اساسی نظریه مذکور این است که هر دولتی برخوردار از حقی کامل برای اخذ تصمیم در خصوص مشارکت یا عدم آن در مراودات بین المللی است.^۱

^۱ شفیع و اخوان، ۴۹:۱۳۹۸

پرداختن به این آسیب های دلهره آور مستلزم تعامل دیپلماتیک پایدار، رهبری استراتژیک و تلاشی هماهنگ برای غلبه بر محدودیت های ساختاری و عملیاتی است که نقش شورای امنیت در جلوگیری از جنگ را تضعیف می کند.

نتیجه گیری:

در این مقاله، با استفاده از پارادایم تفسیری و مقایسه با یافته های دیگران مشخص شد که ملحوظ نظر به شاخص های بیان گردیده و همچنین آسیب شناسی مطرح شده در مقایسه، به نظر می رسد در زمینه پیشگیری از جنگ، اثربخشی اقدامات مختلف می تواند تحت تأثیر شرایط خاص هر موقعیت باشد. با این حال، بر اساس ملاحظات تاریخی و عملی، ترتیب بالقوه این اقدامات از نظر اثربخشی بالقوه آنها در جلوگیری از جنگ می توان گفت ۱- ابتکارات دیپلماتیک و میانجیگری ۲- دیپلماسی مشورتی و پیشگیرانه ۳- تحریم های هوشمند ۴- قطعنامه های اجرایی ۵- پیشگیری از درگیری و حمایت میانجیگری ۷- عملیات حفظ صلح ۸- کمک و حفاظت بشر دوستانه ۹- دخالت بشر دوستانه ۱۰- اقدامات اجرایی دارای اولویت است.

حال با توجه به شاخص ها و آسیب های مطرح شده در این مقاله و مقاله امینی نیا به درستی به حق بشری صلح اشاره گردیده که ما هم در این مقاله به این حق صحه گذاشته و از طرفی دیگر ایشان شورای امنیت را ناقض حق صلح داشته که با توجه به واقعیات موجود روابط بین المللی در دسته آرمان گرایی قرار گرفته و از عمل گرایی دور می گردد که نتایج متفاوتی دست یافته- اند.^۱ در عین حال یافته های مقاله با نتایج میکوشش و رضایی در زمینه به کار گیری

^۱ امینی نیا: ۱۳۸۹، ۱۵۴-۱۵۵

دیپلماسی پیگشگیرانه دارای همسویی و از این جهت که شورای امنیت این گونه دیپلماسی را پیگیری نماید غیر همسو می باشد.^۱

در نهایت بابد اذعان نمود که اثربخشی این اقدامات می تواند به طور قابل توجهی به زمینه خاص، میزان همکاری و حمایت بین المللی و تمایل طرف های درگیر برای مشارکت در تلاش های حل مسالمت آمیز بستگی داشته باشد.

پیشنهادها:

پیشنهاد می شود که دستگاه دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران با همکاری دارندگان حق وتو و کشورهای خاورمیانه قطعنامه ای ذیل فصل شش منشور ملل متحد ماده ۳۹ - ۴۱ منشور سازمان ملل متحد ارائه کرده که در آن اشاره شود که کشورهای خاورمیانه اختلافات خود را در چارچوب مشخص و زمان بندی معین اختلافات خود را مسالمت آمیز از طریق مذاکره حل و فصل نموده و از طرفی دیگر با وزرات امرخارجہ ایران با دیپلماسی اقتصادی درهم تنیدگی اقتصادی کشورهای منطقه را زیر نظر سازمان ملل متحد افزایش دهند.

منابع فارسی:

۱. امینی نیا، عاطفه (۱۳۸۹)؛ جایگاه حق بر صلح در منشور ملل متحد با نگاهی به عملکرد شورای امنیت، (۱۳۱-۱۵۷)
۲. اشرافی، داریوش (۱۳۹۳)؛ تفسیر جدید از صلح و امنیت بین المللی و تاثیر آن بر مفهوم حاکمیت ملی، سال ۱۵ شماره ۴۲، ۲۷-۱
۳. بهبودی نژاد، قدرت الله، بهبودی نژاد، سعید (۱۳۹۹)، رقابت های منطقه ایی ژئوپلتیک در خاور میانه: پیامدهای آن برای اروپا، فصلنامه سیاست و روابط بین الملل (۷)، ۲۷-۷

^۱میر کوشش و رضایی: ۱۴۰۱، ۱۵۵-۱۵۶

۴. حجازی، امرالدین، صلح چی، محمد علی (۱۳۹۹)؛ تاثیر شورای امنیت سازمان ملل متحد در ایجاد امنیت و عدالت کیفری بین المللی، ۹ (۳۳) ۴۶-۹
۵. رجبی، محمد، (۱۴۰۱)، بررسی تحریم های بین المللی و موازین حقوق بشر (با تاکید بر تحریم های چند جانبه علیه ایران)، (۲۴) ۱۳۵-۱۶۰
۶. رسولی ثانی آبادی، الهام؛ (۱۳۹۴)، درآمدی بر مهم ترین مفاهیم و اصطلاحات روابط بین الملل (۱)، دانشگاه تهران، انتشارات تیسا ساغر مهر
۷. زمانی، سید قاسم، مظاهری، جمشید (۱۳۹۰)؛ جایگاه شورای امنیت، تحریم های هوشمند شورای امنیت در پرتو قطع نامه ۱۹۲۹ حفظ یا تهدید صلح، ۲۷ (۴۴) ۱۱۵-۱۶۱
۸. سجادی پور، سید محمد کاظم، آقا محمدی، زهرا (۱۳۹۴)؛ جایگاه شورای امنیت، قدرت های بزرگ و عملیات حفظ صلح سازمان ملل متحد: چهارچوب های مفهومی و کارکردهای عملیاتی، ۸ (۲۸) ۱۶۱-۱۸۴
۹. شریفی طراز کوهی، عبدالله، مدرس سبزواری، ساسان (۱۳۹۵)، کاربرد تسلیحات شیمیایی در جنگ ایران و عراق از منظر حقوق بین الملل کیفری ۱۸ (۵۲) ۱۰۷-۱۲۸
۱۰. شمس ناتری، محمد ابراهیم، عبدالله یار، سعید (۱۳۸۹)؛ دفاع مشروع و مبانی مشروعیت آن، ۲ (۲) ۱۰۴-۱۲۸
۱۱. صالحی، حمید، عبدی، میلاد، (۱۴۰۱)؛ موانع و بحران های اساسی شورای امنیت در مدیریت صلح و امنیت بین المللی (۱۴) ۶۵-۹۴
۱۲. عابدینی، عبدالله، (۱۳۹۵)؛ مقایسه تحریم تسلیحاتی علیه ایران در قطعنامه ۲۲۳۱ و قطعنامه های پیش از آن (۷۲) ۱۰۷-۱۲۸
۱۳. قادری، روح الله، (۱۳۸۷)، تحول در نقش بازیگران دولتی و غیر دولتی از منظر حقوق بین الملل، (۱) ۱۹۵-۱۶۶
۱۴. قامت، جعفر (۱۳۸۸)؛ جایگاه خاورمیانه در اندیشه های ژئوپلیتیک، بهار، ۷۱، ۱۰۰-۹۲
۱۵. فشنندی، نوبان، قادری، حسین (۱۳۹۶)، بررسی مبانی حقوقی وضع تحریم های هوشمند علیه ایران و تاثیرات برجام بر این تحریم ها (۲) ۱۳۵-۱۷۲

۱۶. میر کوشش، امیر هوشنگ، رضایی، رامتین (۱۴۰۱)، دیپلماسی پیشگیرانه ملل متحد و صلح بین المللی پس از جنگ سرد (۱۴) ۱۳۳-۱۵۸
۱۷. نصیری لاریمی، رضا، (۱۳۹۳)، تقابل حق دعوت به مداخله دولت حاکم و حق تعیین سرنوشت داخلی مردم در حقوق بین الملل (۲) ۱۰۰-۱۳۷
۱۸. رسولی ثانی آبادی، الهام؛ (۱۳۹۴)، درآمدی بر مهم‌ترین مفاهیم و اصطلاحات روابط بین الملل (۱)، دانشگاه تهران، انتشارات تیسا ساغر مهر

۱. Legg, Andrew (۲۰۱۲). *The Margin of Appreciation in International Human Rights Law*, oxford university press
۲. Van Den Herik, Larissa, (۲۰۰۷) "The Security Council's Targeted Sanctions Regimes: In need of better protection of the Individual", *Leiden Journal of International Law*, vol. ۲۰
۳. Martin S. Edwards, Jonathan M. DiCicco, (۲۰۱۸) "International Organizations and Preventing War", international Studies association and Oxford University Press
۴. Gowan, Richard (۲۰۲۱). *The Security Council and Conflict Prevention: Entry Points for Diplomatic Action* , New York: United Nations University
۵. United Nations Security Council, "Resolution ۲۳۳۷, adopted by the Security Council at its ۷۸۶۶th meeting," United Nations, ۱۹ January ۲۰۱۷, S/RES/۲۳۳۷

٤. UN Sc Resolution ١٩٢٩ (٢٠١٠)

Analyzing the role of the UN Security Council to prevent war in the Middle
East

Abstract

The Security Council, with the limits of authority defined by the United Nations Charter, is the executive of the common security system and is responsible for establishing order and security in the world. This research is considering the great importance of the role of the United Nations Security Council in order to prevent war in the Middle East, therefore, to answer this question, the role of the United Nations Security Council for the prevention of war in the Middle East is first discussed and with the aim of explaining the security tools The United Nations is preventing war by focusing on the Middle East. The methodology of the descriptive-analytical article gives a scientific answer to the posed question with the argumentative method of content

analysis and using library resources. And then by explaining the effective factors in strengthening the role of the Security Council and increasing efficiency in preventing war in the Middle East and stating its importance, we reach the conclusion that there is an undeniable connection between the role of the United Nations Security Council in order to prevent war in the Middle East. And there is an unbreakable relationship that unfortunately cannot be done

Keywords:

United Nations Security Council, war, peace and security, Middle East